

لزوم افزایش آموزش مهارت‌های زندگی به جوانان



مهدی مفتی‌فرد
مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی جوانان وزارت ورزش و جوانان

در بحث کاهش تمایل جوانان به ازدواج کارهای پژوهشی انجام شده است تا با علم به مشکلات، بتوان در این حوزه راهکار ارائه داد. عوامل کلان، میانی و خرد با نقش‌هایی مجزا در این حوزه وجود دارند. جالب اینجاست که در مباحث کلان، اقتصادی، جزء دلایل دوم و سوم است. در بررسی عوامل این مسأله، به‌صورت اجمالی می‌توان گفت، در بین افراد جامعه، دلیل اول این است که ذهنیت‌های منفی نسبت به ازدواج وجود دارد، از سویی نقش والدین، فضای مجازی، اطرافیان و افرادی که تجربه طلاق داشته‌اند، همگی می‌توانند در ذهنیت جوانان نقش داشته باشند. عامل دوم ترس از شکست خوردن دوباره است. ممکن است افراد در برهه‌های مختلف زندگی دچار شکست‌های متعددی شده باشند، ترس از شکست دوباره می‌تواند یکی از عوامل بازدارنده باشد.

در این خصوص، حتی دیدن افرادی که در زندگی مشترک خود شکست خورده‌اند یا مواجهه با زندگی افراد شکسته خورده در جراید و رسانه‌های دیداری و شنیداری هم می‌تواند دقیقاً همان احساس منفی را به شخص القا کند.

سومین عامل نداشتن اعتماد در طرفین است، به‌عنوان نمونه نداشتن اعتماد در مسئولیت‌پذیری در هر دو طرف یا داشتن این حس در زن که همسر آینده او نتواند شغل خود را نگه دارد و از پرداخت هزینه‌های زندگی برآید یا اینکه یک مرد به همسر آینده خود در خصوص نگهداری پول یا ولخرجی نکردن اعتماد نداشته باشد. چنین بی‌اعتمادی‌هایی در هر حوزه‌ای می‌تواند سبب کاهش تمایل به ازدواج در افراد شود.

نکته مهم دیگر بحث شرایط سخت زندگی است. برخی جوانان حاضر نیستند سختی‌های زندگی مشترک را تحمل کنند، چرا که والدین همواره همه چیز را برای آنها مهیا کرده‌اند و هر وقت هر مسأله‌ای داشتند، خانواده مشکل را حل کرده و به قولی همیشه تمامی امکانات برای آنها حاضر و آماده بوده و دیگر نمی‌توانند به‌تنهایی روی پای



خود بایستند و تلاش کنند. عواملی که از آنها نام برده شد از جمله عوامل درونی در افراد هستند. عوامل بیرونی هم در این مسأله دخیل هستند. فرهنگ، جامعه، اقتصاد و سبک زندگی از جمله عوامل بیرونی مؤثر بر گرایش جوانان به ازدواج هستند. در حوزه فرهنگسازي و ترویج روحیه ازدواج در برنامه‌های مدیریتی، باید تغییر نگاه و سبک زندگی نیز مدنظر باشد. در دهه‌های قبل، تفکر غالب این بود که با ازدواج افراد رشد می‌کنند، استقلال پیدا می‌کنند و در نهایت حس رشدیافتگی و داشتن استقلال همراه با لذت‌بخشی خواهد بود اما در حال حاضر متأسفانه این نگاه وجود ندارد.

باید تلاش شود تا اندیشه‌های قبل به زندگی جوانان بازگردد. از سویی دیگر سبک زندگی در گذشته کاملاً تغییر کرده و به‌نوعی می‌توان گفت به سمت تجمل‌گرایی رفته است. سادگی‌زیستی و آسان گرفتن در تهیه امکانات زندگی، دیگر کمتر در خانواده‌ها دیده می‌شود. نگرش سادگی‌زیستی نیز در بطن جامعه باید گسترش یابد کند تا شاهد کم‌رنگ شدن مشکلات باشیم. در عین حال هم نقاط مثبت ازدواج باید به جوانان نشان داده شود.

بجست تسهیل ازدواج در دولت هم در حال پیگیری است. تاکنون پیش‌زمینه‌های استفاده از مجموعه‌های خدماتی و تالارهای دستگاه‌ها فراهم شده تا جوانان در مراسم عقد و عروسی بتوانند از این خدمات استفاده کنند و در آغاز زندگی مشترک سختی کمتری متوجه‌شان شود.

تولید محتوا و مکتوبات مورد نیاز جوانان و از همه مهم‌تر افزایش آموزش مهارت‌های زندگی و انتخاب صحیح همسر نیز از جمله اقداماتی است که در این حوزه انجام گرفته است. برخی از جوانان شرایط ازدواج را دارند اما در پیدا کردن همسر مناسب موفق نیستند از این رو مؤسسات و مجموعه‌هایی که در حوزه انتخاب همسر فعال هستند با تأیید سازمان تبلیغات اسلامی از وزارت ورزش و جوانان مجوز دریافت می‌کنند.



«ایران» از دلایل غیرمالی هراس جوانان از تشکیل زندگی مشترک گزارش می‌دهد

فویبای ازدواج

مهسا قوی‌قلب

خبرنگار

در حال حاضر بیش از ۱۳ میلیون جوان ازدواج نکرده در کشور زندگی می‌کنند که تمایلی به تشکیل خانواده از خود نشان نمی‌دهند و بیشتر علاقه‌مند هستند که مجرد باقی بمانند. شاید بسیاری از ما در اولین نگاه، مسائل اقتصادی را مهم‌ترین عامل در این مسأله بدانیم اما با گشتی در زندگی افرادی که به اصطلاح دست‌شان به درازمان می‌رسد یا حتی بالای شهرنشین هستند، متوجه خواهیم شد که مشکلات اقتصادی به‌تنهایی نمی‌تواند در افزایش تمایل جوانان به مجرد ماندن مؤثر باشد. دران‌شان می‌تواند در افزایش تمایل جوانان به مجرد ماندن مؤثر باشد. به اعتقاد کارشناسان و متخصصان حوزه خانواده حالا در ایران امروز، تغییر سبک زندگی، متغیرهای مورد نظر افراد برای گرایش به سمت تشکیل زندگی را بشدت تحت تأثیر قرار داده است تاجایی که بیم آن می‌رود، نداشتن تمایل به ازدواج سیر صعودی به خود بگیرد و این پدیده نور کشور به معضلی آسیب‌زا تبدیل شود.

اشاره کرد. به همین دلیل نیاز است تا علل این ناخوستگی‌ها را جست‌وجو نمود، یکی از مهم‌ترین دلایل، حرکت جامعه از سنتی به مدرن شدن است. ازدواج و سروسامان دادن زندگی خود تأکید می‌کنند اما در جهت اقدام به آن کمتر تلاش از خود نشان می‌دهند، به «ایران» می‌گوید: این روزها با جوانانی روبه‌رو هستیم که در دوراهی تصمیم به ازدواج کردن و ازدواج نکردن، گزینه دوم را انتخاب می‌کنند. براساتی مهم‌ترین دلایل ازدواج نکردن جوانان چیست؟ آیا «اقتصاد» به عنوان مؤثرترین عامل می‌تواند مانع اصلی بر سر راه ازدواج جوانان باشد؟ متغیرهای پنهان و مداخله‌گر بر سر راه ازدواج کدامند؟

او در پاسخ به پرسش‌های فوق توضیح می‌دهد: مسأله ازدواج نکردن جوانان تنها دغدغه و مختص جامعه ما نیست. میل به مجرد بودن در جوانان در حد یک مقیاس‌ساز جهانی است و در همه جوامع این مشکل به چشم می‌خورد. این روش به یک سبک زندگی تبدیل شده و روز به روز بر شمار طرفدارانش افزوده می‌شود. در یک نگاه کلی می‌توان مهم‌ترین دلایل در تعیین این سبک زندگی را، فردگرایی، آزادی بیشتر، عدم تعهد و مسئولیت‌ناپذیری دانست. تمایل نداشتن به ازدواج در میان جوانان به عنوان مسأله‌ای مهم در جامعه ما شناخته شده و از این حیث یک دغدغه جدی محسوب می‌شود که برخلاف توصیه‌های مؤکد دینی، برنامه‌ها، سیاست‌گذاری‌های جمعیتی نهادها و سازمان‌هاست، در عین حال هم به‌منظور راه‌های ایجاد افزایش جمعیت، ترغیب جوانان به ازدواج در طی سال‌های متمادی تبلیغ شده است اما با تمام این توصیه‌ها گویا دیگر ازدواج در اولویت زندگی جوانان جامعه قرار ندارد و تمایل برای تشکیل خانواده روزبه‌روز رو به کاهش و در مقابل تمایل به زندگی مجردی با افزایش همراه شده است.

به گفته نظری، هنوز هم نزد جوانان، اقتصاد مهم‌ترین عامل، در سروسامان دادن زندگی شناخته می‌شود و نقش بسیار مهم و پیش‌برنده دارد اما آنها به دلایل ضمنی و مهم دیگری اشاره می‌کنند که به‌طور جدی از موانع ازدواج جوانان محسوب می‌شود. برای اثبات این ادعا می‌توان به شمار زیادی از جوانانی که دغدغه مالی - اقتصادی و در آغاز زندگی تمایل به ازدواج هم ندارند

حمایتی که بوی خستگی برای خانواده داشته و موجب شده تا جوانان با عادت کردن به این سبک زندگی، به ازدواج تن ندهند.

به اعتقاد این جامعه‌شناس، در گذر جامعه سنتی به جامعه مدرن؛ بسیاری از ارزش‌ها تغییر یافته‌اند، اخلاق دیگر سرلوحه امور نیست و اعتماد رنگ باخته است. بی‌اعتمادی و شک به‌صورت جدی از موانع و بازدارنده‌های ذهنی جوانان، برای انتخاب شریک زندگی محسوب می‌شود، به همین لحاظ انتخاب یک شریک خوب و مناسب و قابل اعتماد سخت‌تر از گذشته شده است. یکی دیگر از چالش‌های جدی که خانواده در ایران به‌مثابه نهادی تنها و بدون پشتوانه با آن مواجه است، «طلاق» است. گزارش‌ها نشان می‌دهد از هر ۳ ازدواج یکی از آنها منجر به طلاق می‌شود. در واقع جوانان می‌دانند با انتخاب غلط یا اجبار به ازدواج از سوی والدین، یا نداشتن علاقه به زندگی مشترک و نداشتن مهارت زندگی، زمینه جدی برای طلاق و از هم‌پاشیدگی خانواده آتی فراهم می‌شود. نکته دیگر برخورد سطحی و راهکارهای سطحی توسط مسئولان است که به‌منظور حل بحران جمعیت بدون توجه به آسیب‌های جدی‌ای که خانواده با آن مواجه است، نظیر فقر و ناامنی، بیکاری، تورم و نظایر اینها و بسنده‌کردن تنها به دستورالعمل‌هایی که موجب باز نگه داشته شدن پنجره جمعیتی است، اکتفا می‌کند اما این نمی‌تواند یک راه‌حل مناسب برای تشویق جوانان به امر ازدواج باشد. قبل از هر چیز مسئولان باید مشکلات را به شکل واقعی ببینند تا بتوان در سریع‌ترین زمان ممکن از سد مشکلات عبور کرد.

شرایط امروز جامعه ما موجب ناامیدی افراطی و توقعات بالایی شده که جوانان از خود و از فضای اقتصادی و سیاسی دارند و عاملی مهم و بازدارنده در امر ازدواج است. نظری.



با بیان اینکه مسائل پیچیده‌ای به مقوله ازدواج بازمی‌گردد، به ما توضیح می‌دهد: نظام خانوادگی و فرهنگی فرد و نوع تفکر او از جمله این مسائل هستند. برخی خانواده‌ها به‌طورکلی هیچ اعتقادی به تشکیل زندگی مشترک ندارند و به‌مرور زمان این اعتقاد شخصی به یک فرهنگ در آن خانواده بدل می‌شود. بخشی از ماجرا به موضوع مسئولیت‌پذیری متعهدانه و توانان بازمی‌گردد، علاوه بر اینها هم در بحث روحی و هم اقتصادی، فردی که تصمیم به ازدواج دارد، باید آمادگی مواجهه با این موارد را داشته باشد. در حال حاضر با بحث خصوصیات اجتماعی در جامعه و بازخوردهایی که بی‌امان از جامعه شکل می‌گیرد نیز مواجه هستیم، مواردی مانند همسرآزاری، طلاق و مشکلات روحی - روانی که فرد ممکن است از قبل داشته باشد و تا بعد از ازدواج آن را برملا نسازد، همگی سبب می‌شوند برخی نسبت به ازدواج سست شوند.

همواره شنیده‌ایم که دخالت‌های خانوادگی می‌تواند ازجمله مواردی باشد که برهم‌زننده زندگی زوجین باشد، این در حالی است که ایمانی معتقد است این مقوله حتی می‌تواند همواره شنیده‌ایم که دخالت‌های خانوادگی می‌تواند ازجمله مواردی باشد که برهم‌زننده زندگی زوجین باشد، این در حالی است که ایمانی معتقد است این مقوله حتی می‌تواند

همواره شنیده‌ایم که دخالت‌های خانوادگی می‌تواند ازجمله مواردی باشد که برهم‌زننده زندگی زوجین باشد، این در حالی است که ایمانی معتقد است این مقوله حتی می‌تواند همواره شنیده‌ایم که دخالت‌های خانوادگی می‌تواند ازجمله مواردی باشد که برهم‌زننده زندگی زوجین باشد، این در حالی است که ایمانی معتقد است این مقوله حتی می‌تواند صورت که فرد به بلوغ فکری و استقلال رسیده اما همچنان خانواده می‌خواهد برای او خطمشی تعیین کند. بیان بازخوردهای این جنبی سبب می‌شود، بقیه افراد هم تحت تأثیر قرار گرفته

عادت می‌کند و در نهایت، عادت به تنهایی، تبدیل به مانعی بر سر راه ازدواج خواهد شد. در آن صورت چنانچه در آینده تمامی شرایط لازم هم فراهم باشد، به دلیل عادتی که ایجاد شده، رغبتی به ازدواج کردن رویه زندگی، احتمال ازبیدار روابط نیز وجود دارد و فرد ممکن است، به مشکل تنوع‌طلبی دچار شود، در عین حال، قطعاً و بی‌شک روابط متعدد در طول زندگی، آسیب‌های زیادی به افراد وارد کرده و آنها را از ازدواج دور می‌کند، به علاوه ازدواج برای این قبیل افراد فاقد هرگونه جذابیتی خواهد بود، در حالی که با ازدواج و تشکیل خانواده شخصیت هر فردی ارتقا می‌یابد.

ازدواج، عاملی برای افزایش احساس امنیت و آرامش جوانان

ایمانی درباره افزایش سطح تحصیلات، تخصص، سواد و مهارت دختران در سال‌های اخیر و تأثیر آن بر روند ازدواج می‌گوید: این موارد همگی ازجمله فرصت‌های بی‌نظیری هستند که برای ایرانیان ایجاد شده، اما با افزایش استقلال مالی و اقتصادی بانوان، گروهی ممکن است، دیگر تمایلی به ازدواج نداشته باشند و این امر می‌تواند سبب بالا رفتن سن ازدواج شود، بالا رفتن سن هم با کاهش انتخاب‌ها ارتباط مستقیمی دارد و می‌تواند در این مهم، دخیل باشد. از این‌رو، باید سطح آگاهی جوانان در این حوزه ارتقا پیدا یابد.



دکتر فهیمه نظری:

تمایل نداشتن به ازدواج در میان جوانان به عنوان مسأله‌ای مهم در جامعه ما شناخته شده و از این حیث یک دغدغه جدی محسوب می‌شود که برخلاف توصیه‌های مؤکد دینی، برنامه‌ها، جمعیتی نهادها و سازمان‌هاست



دکتر محمدرضا ایمانی:

شاید همان الگوهای خانوادگی غلط مانند سنگگیری‌های وحشتناک والدین است که دسته‌ای از جوانان را به سمت ازدواج نه سفید بلکه ازدواجی سیاه پیش می‌راند. سیاه به این دلیل که در ازدواج‌هایی این جنبی، عاطفی و زیستی وجود ندارد

و از تشکیل زندگی مشترک بهراند. مورد مهم دیگری هم که در جامعه ما به نوعی حرف زدن درباره آن هنوز، تابو محسوب می‌شود، بحث نیازهای جنسی است که نقطه آغاز یک رابطه به‌شمار می‌رود. در زمانه حاضر، نوع و شکل رابطه از موضوع ازدواج فاصله گرفته و تبدیل به دوستی می‌شود اما به ازدواج نمی‌رسد. شاید همان الگوهای خانوادگی غلط مانند سنگگیری‌های وحشتناک والدین است که دسته‌ای از جوانان را به سمت ازدواج نه سفید بلکه ازدواجی سیاه پیش می‌راند. سیاه به این دلیل که در ازدواج‌هایی این جنبی، امنیت ذهنی، عاطفی و زیستی وجود ندارد، این در حالی است که باید بستر امنیت در یک ازدواج وجود داشته باشد تا دلبستگی در ارتباط ایجاد شود.

از آنجا که در ازدواج‌های سفید هنگام جدایی افراد تعهدی نسبت به هم ندارند، ارتباط عاطفی عمیقی نیز بین ایشان شکل نمی‌گیرد.

این روانشناس در ادامه با تأکید بر این نکته که بسیاری از جوانان تمایل به تشکیل زندگی مشترک دارند اما درگیر موضوعات مختلفی شده‌اند که ایشان را از این هدف دور کرده است، می‌گوید: ازجمله این موارد که اهمیت زیادی هم دارد، این است که در عرصه‌های مختلف در اجتماع بی‌شک فرصت است و نباید به عنوان یک تهدید به این مقوله نگاه شود.

ایمانی در خاتمه با اشاره به اینکه هیچ‌گاه دو نفر به لحاظ رفتاری و فکری نمی‌توانند کاملاً به هم شبیه باشند، بیان می‌کند: هدف از ازدواج، طرفین است، قرار نیست دونفر مثل هم فکر کنند و مانند هم باشند، با درک این موضوع امنیت و آرامش بیشتری در خانواده‌ها برقرار می‌شود.